



## ایستگاه صلواتی علی قهرمانی

اشاره:

خب، برای این که موضوع این ستون را توضیح بدهم اول یک صلوات بفرستید  
(اللهم صل علی محمد و آل محمد)

همین است، موضوع ستون ایستگاه صلواتی، همین است! صلوات  
اللهم صل علی محمد و آل محمد

یعنی وقتی خسته و دل شکسته! عرق ریزان و نفس زنان! از صفحات و ستون های  
دیگر به این ستون رسیدید. اول نگاهی به تابلو سردر این ستون بیندازید و

صلواتی بفرستید: «اللهم صل علی محمد و آل محمد»

بعد روی یکی از نیمکت های کنار ستون بنشینید و برای این که خستگی تان در رود  
خاطره یا خاطراتی درباره صلوات بگویند و بشنویید. (دقت کنید یعنی خودتان  
هم باید برای رونق این ستون که البته کسی دیگر رونق اش را تضمین کرده،  
دست به قلم شوید.)

بعد با لیختنی بر لب چند صلوات بفرستید و بلند شوید به ادامه گشت و گذار برای  
«دیدار آشنا»

یا علی مدد

صلوات

## پدر صلواتی

ناراحت شد. حق هم داشت وسط حرف هر کی بپرن ناراحت می شه. داغ  
کرد باید قیافشو می دیدی دوست نداشت بر اش شعار بدن. می خواست  
حرفاشو بزنه، صدای اتوبوس به طرف صدای جمعیت هم...

- مثل این که آب ما تو به جوی نمی ره شلوغ کنی فحش می دهیم!

- از اون بعید بود. تا حالا ناراحتی اش رو ندیده بودم.

- نه مثل این که دوست دارید فحش بشنوید. باشه. خودتون خواستید.

ای بر پدر و مادر همتون... صلوات!

تو روح همتون... صلوات!

حاجی باحالی بود. اهل بگو و بخند و صلوات.

تا قبل اردو نه دیده بودمش و نه می شناختمش. دم دمای وقت حرکت  
اتوبوس ها اومد، نیم ساعت با همه بچه ها رفیق شد.

اردوی راهیان نور بود؛ شانزده تا اتوبوس با هم راه افتاده بودند. اول قرار  
بود راهنماهای اتوبوس ها هر نصف روز عوض بشن اما سر این بنده خدا  
دعوا بود بس که بچه ها دوستش داشتند.

هر جا پیاده می شدیم که حاجی رو بینیم می دیدیم - ۱۵ نفر دوره اش  
کردن.

یه مسابقه گذاشته بود به اسم مزایده خیرات، هر جا هم می رفت اجراش  
می کرد.

- این مسابقه برعکس همه مسابقه ها جایز نش نقد نه اصلا جایز نش خود  
عمله.

صاحب مسابقه و داورش هم خود خداست. گفته: آی مردم بیاید تو زمین  
ما مسابقه بدین فاستبقوا الخیرات؛ بیاید تو کارای خیر از هم دیگه سبقت  
بگیرید.

بعد شروع می کرد مثل اونایی که می خوان جنس بفروشن - مزایده  
می گذاشت. من خودم از هزار تا صلوات شروع می کنم کسی نیست بیشتر  
بگه؟

۱۵۰۰ تا، ۱۷۰۰ تا، ۲۰۰۰ تا

اون یکی جو زده شد آقا من ده هزار تا

- ببینید من فقط منظورم توی اردو نیست ها، جوری که اردو تموم شد  
دوباره همون اش و همون کاسه. بیاید یه کار کوچولو ولی پایدار انجام  
بدیم که این بهتره و اثرش هم بیشتره.

مثلا یه سال دعای عهد هر روز صبح، روزی پنج آیه برای سلامتی امام  
زمان، هر روز پنج دقیقه برای مناجات با امام و...

\*

از قضا یه روز که داشتیم تو اینترنت جست و جو می کردم چشمم خورد به  
کلمه «پدر صلواتی ها!...» (www.salavat.coo.ir) کنجاکو شدم بینم  
مال کیه؟!

صفحه رو باز کردم دیدم خودش، پدر بیمارز اینجا دست از سر جماعت  
برنداشته، مسابقه گذاشته مردم بیان تو کارهای خوب برای امام زمان  
شرکت کنند.

## یادداشت بکبار



## خوش به حال حاجی ها

علی مهر

خوش به حال حاجی ها به خاطر خیلی چیزها. به خاطر سعادت سفر به سرزمین وحی،  
دیدن دیار پیامبر صلی الله علیه و آله، و انجام واجب الهی. گوش دادن بر نغمه های حرا، طواف  
کعبه، رجم شیطان چون ابراهیم، سعی بین صفا و مروه چون هاجر، قربانی کردن، در آغوش  
کشیدن مزار رسول رحمت، سرمه کردن خاک بقیع، قدم زدن در کوچه بنی هاشم، زیارت  
حمزه سیدالشهدا، ناخودآگاه گشتن پی مزار ناپیدای بی بی و...

خوش به حال حاجی ها به خاطر این که همسفر مولایند و شاید گاه هم چادر مولا و شاید گاه  
هم دوش مولا (در طواف کعبه یا سعی بین صفا و مروه یا... نمی دانم) و شاید گاه هم نوا و  
هم ناله با مولا (در روضه عمویش عباس علیه السلام)

خوش به حال حاجی ها چون وقتی باز گشتند. می توانند در بین تعریف هایشان بگویند:  
«راستی، آقا هم آن جا بود.» و حتی بگویند: «آقا در چند قدمی ما بود.»

خوش به حال حاجی ها که یک ماه در فضایی نفس می کشند که آقا نفس می کشد.

خوش به حال حاجی ها وقتی کارنامه حج شان را به دست آقا می دهند و آقا به تبسمی مهر  
تائید پای آن می نشانند.

خوش به حال حاجی ها...

از حقیقت

انتظار سخن گفتیم و این که منتظر

باید با ورع، خودش را آماده کند برای حضور کسی

که «جامع علی کلمه التقوی» است و همه را در مسیر تقوا

به وحدت می رساند، اما ویژگی بعدی یک منتظر حقیقی، تلاش

برای دستیابی به کمالات روحی و مکارم اخلاق است؛ چرا که

پیامبر صلی الله علیه و آله جز برای به کمال رساندن و مهم تر از آن، تمامیت

بخشیدن به اخلاق کریمانه مبعوث نشده اند و صد البته امام زمان (عج) چون

تمام کننده هدف بعثت هستند - که برپایی قسط و عدل آن هم به وسیله مردم

باشد - به یقین برای تحقق کامل این هدف حرکت خواهند کرد و چگونه کسی

که نه خود را با این هدف هماهنگ کرده و نه به دنبال آن است، منتظر

تحققش خواهد بود؟!

برای رسیدن به این مطلب جز تکیه بر محبت اهل بیت و سعی در تشبه

به ایشان راهی نخواهد بود؛ البته عزمی جزم و اراده ای قوی و

مراقبتی دائم می خواهد. زیرا این راه، راهنمایی قسم خورده دارد

که مانع هر رهروی می شوند و برای انحراف

منتظران از مسیر حقیقی نقشه ها دارند.

منتظران

## انتظار و راه کمالی که باید پیمود

رضیه برجیان